فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام
سـال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۳
صفحات ۴۵ – ۶۶

روش‌شناسی مقریزی در سنجش و گزینش داده‌های تاریخی

زهرا روح اللهی امیری*
صادق آیینه‌وند**

چکیـده

این مقاله به چیستی روش تقی‌الدین علی مقریـزی (م ۸۴۵ ق) در گـزینش و پـالایش داده‌های تاریخی پاسخ می‌گوید و می‌کوشد با عرضه چـارچوبی بـرای گـزینش و روش مورخان، به بررسی آثار وی بپردازد. با توجه بـه فراگیـری روش حـدیثی نـزد مورخـان اسلامی سده‌های پیش از مقریزی، روشن می‌شود که او نیز برای کشف روایت صحیح، به بررسی آن در دو محور اساسی راوی و روایت می‌پرداخت و در گزینش روایت‌هـا، بـه گرایش‌های راویان، ویژگی‌های فردی و شخصیتی آنان توجه می‌کرد؛ زیرا این ویژگـی ها، مستعد آسیب‌رسانی به درستی روایتَند. او در اعتبار روایت‌ها، به اخبار واحد، مشهور و شاذ اعتنا می‌کرد و می‌کوشید با پرداختن به بررسی سند روایـت و شخصـیت راویـان و محتوای آن، مواد شایسته‌ای را در این زمینه فراهم آورَد.

کلیدواژگان

مقریزی، گزینش، راوی، روایت ، روش حدیثی.

* دانش‌آموخته دکتری تاریخ اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقـات تهـران، گـروه تـاریخ اسلام، تهران، ایران. z.rooholahiamiri@yahoo.com

** استاد دانشگاه تربیت مدرس، گروه تاریخ، تهران، ایران. aeneh_sa@modares.ac.ir

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

مقدمه

پژوهش بنابر تعریف، فرآیند تولید دانش است و فرآیند تولید دانش نیز مانند هر فرایند تولیدی دیگری، از «مواد اولیه» آغاز می‌شود. محقق با ابزارها و روش‌های گوناگون، مواد اولیه را فراهم می آورد؛ آن گاه آنها را پردازش و تحلیل می‌کند. ناکامی محقق در گزینش مواد اولیه، از موانع موفقیت محقق و عامل کاهش کارآیی و اثربخشی تحقیق اوست. توجه به این اصل که «نتیجه تابع اخسِ مقدمات است»، این سؤال را به میان می آورد که محقق چه چیزهایی را می‌تواند در فرضیه بیاورد؟ آیا هر چیزی که محقق آن را به دست می‌آورد، از مواد اولیه به شمار می‌رود یا او ناگزیر باید به گزینش بپردازد؟ اگر محقق از گزینش در این‌باره ناگزیر باشد، چنین گزینشی چه شروطی دارد؟ چیزهایی که محقق آنها را با ابزارهای معین به دست می‌آورد، مواد خام به شمار می‌روند و از همین روی، فنونی برای گزینش اطلاعات و داده‌های تحقیق عرضه کرده‌اند. محقق نباید مواد خام را به همان صورتی که آنها را می‌یابد، در پژوهش خود بگنجاند، بلکه باید آنها را با ملاک‌های معینی بسنجد و بپالاید؛ سپس برگزیند. پی‌آمد سنجش و گزینش، مواد شایسته اطلاعاتی است که محقق می‌تواند از آنها در تحقیق خود بهره ببرد. بسیاری از داده‌ها در فرآیند سنجش و گزینش حذف می‌شوند. بنابراین، هر فرآیند تحقیقی به‌واقع دو مرحله مهم دارد: ۱. سنجش و گزینش مواد نخستین؛ ۲. پردازش و تحلیل اطلاعات برای رسیدن به نتایج تحقیق.(فرامرز قراملکی،۱۳۸۳، ص۴۱). این مقاله به بخش نخست؛ یعنی سنجش و گزینش اطلاعات و داده‌ها ناظر است. اصل تمایز داده‌ها از اطلاعات، بر ناگزیری گذشتن از یافته‌ها و مواد خام به سوی اطلاعات شایسته دلالت می‌کند و توجه به این ضرورت، پرسش چیستی فنون و شیوه‌ها را در این زمینه، به میان می‌آورد. چگونه می‌توان در مرحله سنجش داده‌ها و گزینش آنها کام‌یاب شد؟ ملاک یا ملاک‌های گزینش چیستَند و ترازوی سنجش کدام است؟ این مقاله بر پایه این پرسش‌ها، به تعریف ملاک‌های مقریزی از مورخان برجسته مسلمان در این‌باره می‌پردازد و روش او را در استخراج داده‌های شایسته برمی‌رسد.

مورخان در هر پژوهشی با انبوهی از داده‌های تاریخی درگیرَند. این داده‌ها گاهی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

متناقض و گاهی متفاوت با یک‌دیگر فراهم شده‌اند و اختلاف‌های بسیاری با یک‌دیگر دارند که استفاده از آنها به شکل خام، برای مورخ دشوار می‌نماید. آسان‌گیری، نبود تخصص‌های لازم، تقلید و رونویسی از دیگران موجب شده است که خبری کاذب به خبری صادق و متواتر بدل شود. از سوی دیگر، حُب و بغض‌ها، تعصبات مذهبی، قومی و سیاسی و منافع فردی در روند تاریخ‌نگاری مؤلفان تأثیر گذارده‌اند. از این‌رو، بررسی احوال راویان و مورخان ناگزیر است؛ یعنی مورخ ناچار می‌شود که گاهی در جایگاه داوری بنشیند و با استفاده از توان‌مندی‌های ذهنی و عقلی‌اش، درباره راویان و روایات آنان، قضاوت کند و گاهی با توسل به قیاس و استدلال، به تصفیه داده‌ها و تفکیک علمی آنها بپردازد(ملایی، ۱۳۸۶ص۱۳۲-۱۳۳).. بنابراین، مورخان به شیوه‌ها (تکنیک‌ها) و روش‌ها (متُدها)ی گوناگونی برای گزینش داده‌های شایسته، نیازمندَند. آنان در این کار نخست به بررسی داده با توجه به راوی‌اش؛ سپس به بررسی اعتبار خود روایت می‌پردازند. مورخان از گذشته تا کنون چنین بررسی‌های را مهم می‌شمرده‌اند.

روایات تاریخی از دید راوی‌شناختی، فراوانند. برای نمونه، روایاتی که یک راوی یا راویان اندکی دارند؛ اخبار مشهور که متون گوناگون آنها را نقل کرده‌اند؛ اخبار شاذّ. منابع و داده‌های تاریخی از دید اعتبار نیز گوناگونَند. برای نمونه، اخبار مشهوری که متون فراوانی آنها را نقل کرده‌اند، از اخبار شاذ، معتمَدتر و این دو با روایات متواتر و مشهور متفاوتند. هم‌چنین اخباری که مستندات بیشتری در تأیید آنها در دست و با اوضاع زمانه‌شان سازگارتر باشند، از اعتبار بیشتری برخوردار خواهند بود. گاهی هیچ دلیل و نشانه‌ای برای ترجیح اخبار متناقض بر یک‌دیگر در دست نیست. از این‌رو، مورخ باید به داوری بنشیند و بر پایه توانایی ذهنی و عقلی‌اش در این‌باره قضاوت کند(فیلیسین شاله ، بی تا، صص ۲۱۲-۲۲۰) و به گفته زرین‌کوب، اگر گمان رود که شهادت از «مصلحت‌جویی یا تمایلات شخصی گواه» برآمده است، مورخ نباید تنها به شهادات اعتماد کند «و آن‌جا که شهادات اسناد با قراین خارج بیش و کم تعارض دارد، به آن جانب که قبولش نفی اصول معقول را ایجاب می‌کند، تسلیم نشود (زرین کوب، ۱۳۶۲، ص۱۶۱)». افزون بر اینها، گاهی باید از قیاس و استدلال بهره ببرد تا شخص یا

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

روی‌داد مؤثر را از میان انبوه اشخاص و روی‌دادهای موضوع تحقیق، بیابد.

اخبار یا روایات یاد شده در منبع گوناگون نیز از خبر یـاد شـده تنهـا در یـک منبـع، معتبرتر است. هم‌چنین اخباری که شمار واسطه نقلشـان کم‌تـر باشـد، اعتبـار بیشـتری دارند. افزون بر این، انطباق روایت با واقعیت‌های زمانه نیز معیـاری بـرای پـذیرش یـا وازنِش اخبار به شمار می‌رود.(قائم مقامی ، ۱۳۸۵، ص۲۸-۲۹).

افزون بر اینها، برای جرح و تعدیل روایات و اخبار، زمان و نام افراد، دو معیار مهـم نزد مورخانَند که گاه مشکلاتی فراروی آنان پدید می‌آورند. تقویم و گاه‌نگاری ابزارهای تاریخ‌نگارانه مؤثر در نقد اطلاعات تاریخی‌اند. روشن شدن تاریخ دقیـق روی‌دادهـا، در تشخیص درستی و نادرستی آنها بسیار تأثیر می‌گذارند. با توجه به اهمیـت انکارناپـذیر معیار زمان در همه پژوهش‌های تاریخی، ایـن معیـار در اسـتفاده از داده‌هـای تـاریخی به‌ویژه در بحث تراجم و رجـال و تـذکره‌ها و تعیـین دقیـق اسـامی افـراد و تشـخیص سال‌های تاریخی آنها از ولادت تا مرگ و تأثیر سیاسی و اجتماعی آنـان، بـه‌ویژه مـؤثر است و بسیاری از مباحث بر همین پایه استوار می‌شوند. نام افراد در تاریخ نیـز از ایـن روی مهم است که گاهی کارهای کسانی به پاره‌ای دیگر از افراد منسوب می‌شود و این خود موجب پیدایی فهم نادرستی از تاریخ و تحلیل ناواقعی روی‌دادها می‌شود.(ملایی، ص۱۴۰-۱۳۹). بنابراین، روش پالایش داده‌های تاریخی را با توجه به دو معیار راوی و روایت می‌توان دسته‌بندی کرد:

سطح راوی

الـف) شروط اخلاقـي و اجتمـاعي

بررسی اینکه مؤلف از تخصص در دانش تاریخ برخوردار بـوده اسـت، از ملزومـات اصلی پالایش روایات به شمار می‌رود. افزون بر این، متهم بودن به دروغ‌گویی، بـدعت و سفاهت از معیارهای ضعف روایات راوی دانسته شده است(همان، ص۱۳۶). کسانی ایـن ویژگـی‌هـا را مخدوش‌کننـده عـدالت راوی برشـمرده‌اند(آیینه ونـد ، ۱۳۷۷، ج۱، صص۶۱۴-۶۱۵). تأثیرگذاری ارزش‌های شخصی، گرایش‌های مذهبی و سیاسی نیـز در بی‌اعتباری روایت‌ها مؤثرند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

ب) ویـژگی‌هـای شخصي راوي

این شروط به ویژگی‌های خود راوی؛ یعنی صـحت عقـل و نداشـتن غفلـت، خطـا، اهمال و شذوذ و خلط مباحث ناظرند. تحقق این ویژگی‌هـا، بـه مخـدوش شـدن ثبـت راوی می‌انجامد.(همان).

سطح روایت

علما روایات را نیز بر پایه میزان اطمینـان و اعتمادبخشـی آنهـا دسـته‌بندی کرده‌انـد. روایات بر پایه اعتنای مورخان به آنها، به خبر واحد، مشـهور و شـاذ تقسـیم می‌شـوند. دیدگاه‌های گوناگون را در این‌باره چنین می‌توان صورت‌بندی کرد:

بهره‌گیری از توان‌مندی ذهنی و عقلی برای دریافت روایت صحیح؛

انتخاب اخباری که مستندات بیشتری بر صحت آنها در دست است؛

استفاده از قیاس و استدلال عقلی برای انتخاب روایت صحیح؛

اعتنا به روایاتی که در چند منبع آمده است؛

اعتنا به روایاتی که ناقل آن به زمان وقوع نزدیک‌تر بوده است؛

اعتنا به روایاتی که با واقعیات زمان منطبقند.

این مقالـه بـر پایـه روش‌هـا و شـیوه‌های مورخـان اسـلامی و محـدثان در پـالایش روایت‌ها، به تحلیل عمل‌کرد مقریزی در این زمینه می‌پردازد و میزان پای‌بندی او را بـه روش علمی در پالایش داده‌ها برمی‌رسد.

پیشینه تحقیق

مقریـزی و کتاب‌هـای او در حـوزه تاریخ‌نگـاری از اهمیـت فراوانـی برخوردارَنـد؛ چنان‌که پژوهش‌گران غربی و عرب دورتر از ایران، زودتر از پژوهش‌گران ایرانی با آنها آشنا شدند و پژوهش‌های خود را در این‌باره آغاز کردند. بخشی از این تحقیقات درباره خود مقریزی و اندکی از آنها، درباره آثار او مانند *الـخطط* و *اغـاثـه الامـه* و اهمیت آنها در تاریخ‌نگاری سامان یافته‌اند. دکتر عبدالله ناصری طاهری از پژوهش‌گران ایرانی است که در شناساندن این تاریخ‌نگار برجسته کوشیده و دو مقاله درباره مقریـزی عرضه کرده است. او در یکی از این دو مقاله که در پایگاه شخصـی‌اش (تاریخ‌نوشـت)

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

آمده، چنین گفته است: «مقریزی آثار فراوانی بـر جـای گذاشـته و نظریـات بـدیعی در حوزه تاریخ‌نگاری از خود بر جای گذاشته، اما آنچه او را از همه مورخان ممتاز می‌کند، بررسی سیاست‌های سوء اقتصادی حکومت و تأثیر آن بر اجتماع می‌باشـد». ایـن گفتـه دکتر ناصری پی‌آمد بررسی او درباره کتاب کوچـک *اغاثـة الامـة بکشـف الـغمـة* است. وی از دکتر مصطفی الساعی نقل می‌کند: مقریـزی نخسـتین نویسـنده عرب بود که به تأثیر پول (نقد) در حیات اقتصادی و اجتماعی پرداخت. عبدالله ناصری در این مقاله به مشکلات اقتصادی مصر می‌پردازد و می‌کوشد طرحی از مقاله‌ای کلان‌تر بیافکند و به تاریخ‌نگاری اقتصادی بپردازد.

مقاله دیگر او با نام «جامعه‌شناسی اقتصادی در میراث مکتوب مسـلمانان» در همـان پایگاه، پس از تعریف مقریزی در عبارات کوتاه، می‌گوید مقریزی پانصد سـال پـیش از مکتب آنال بر ضرورت تاریخ و جغرافیا تأکید کرده و افزون بر این، تاریخ‌نگاری کمّـی را به عرصه تاریخ آورده و نظریه مقداری پول که تاریخ‌نگاران امریکایی روزگار کنـونی بدان توجه کرده‌اند، سده‌های هشتم و نهم، نزد مقریزی مطرح بـوده و او بـا اسـتفاده از این نظریه به تحلیل اوضاع اجتماعی مصر پرداخته است.

هم‌چنین ایمن فؤاد سید مصحح *الـخطط* در چاپ لندن، به مقریزی می‌پردازد. این مقاله را اسماعیل باغستانی به فارسی ترجمه و بیشتر بر اهمیت او در تاریخ‌نگاری عصر فاطمی تأکید کرده است. ایمـن فـؤاد بـر اثـر پـرداختنش بـه منـابع تـاریخ فاطمیـان و اسماعیلیان با بسیاری از منابع مرتبط با این دوره آشنا شد. از همـین روی، نخسـت بـه تأثیر مقریزی در حفظ آثار تاریخ‌نگاری پیشـینیان اشـاره می‌کنـد و مانـدگاری نام‌هـای مورخانی را مانند ابن ابی طی، مسبّحی و ابـن‌مـأمون و ابـن‌زولاق و قضـاعی، حاصـل همت او می‌داند.(رک: سید،ایمن فؤاد، اهمیت نزهه المقلتین در تاریخ فاطمیان).

جی. رکس اسـمیت(.G. Rex. Smith) نیـز مقالـه‌ای در این‌بـاره در نشـریه انگلیسـی مطالعـات خاورمیانـه (British Journal of Middle Eastern Studies)چـاپ کـرده اسـت کـه بـه بررسـی نسـخه دسـت‌نویس [یـا] *مُسـوّده الـمـواعظ و الاعتبـار فـي ذکـر الـخطط و الآثـار*، نوشته تقی‌الدین احمد بن‌علی بن‌عبدالقادر مقریـزی (۸۴۵-

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

/ ۱۳۲۵-۱۴۴۱م) تصحیح و تحشیه ایمن فؤاد سید می‌پردازد(۱۴۱۶ق./۱۹۹۵م.). از دید جی. رکس *الهو / عظ* چنان‌که ویراستار کتاب می‌گوید: مهم‌ترین و کامل‌ترین منبع درباره حیطه تاریخی، جغرافیایی تاریخی و نقشه‌بردرای و مکان‌نگاری مصر دوران اسلامی و تنها اثر شناخته‌ای است که تصویری از تأسیس و سیر تکامل تدریجی قاهره از زمان چیرگی مسلمانان بر ان تا سده نهم هجری (پانزدهم میلادی) عرضه می‌کند. این کتاب کاخ‌ها، مساجد، دیرها، محله‌های مسکونی شهر، گرمابه‌ها و کاروان‌سراهای فُسطاط و قاهره را در این نُه قرن فهرست کرده است. رکس در این مقاله به اولین چاپ این کتاب و مشکلات و نسخه‌های متعدد آن و شیوه ایمن فؤاد در تصحیح این اثر تاریخی اشاره می‌کند. (British Journal of Middle Eastern Studies, May ۱۸۹۷, No ۲٤. ، G. Rex. Smith).

آقای غلامی دهقی نیز اغاثه الامه را ترجمه و همراه با مقدمه‌ای درباره تاریخ‌نگاری مقریزی چاپ کرده است (غلامی، ۱۳۸۹). برخی از پایگاه‌های اینترنتی عربی و انگلیسی‌زبان کشورهای غربی و اندکی از کشورهای عربی، برای پژوهش درباره آثار مورخان مغرب اسلامی تا اندازه‌ای تلاش کرده‌اند که البته بسیاری از آثارشان تنها به تعریف مجمَلی از مقریزی یا *الخطط* و دیگر آثار او معطوف بوده است. مقاله‌های فارسی‌زبان در ایران نیز جز چند مقاله آقای ناصری، بیشتر ترجمه مقالات نویسندگان عرب در این‌باره‌اند. مقاله‌ای درباره نگرش مقریزی در سنت‌های الاهی و اجتماعی از مؤلف همین اثر پیش از کتاب جناب آقای غلامی به کمک جناب دکتر ناصری در پایگاه اینترنتی «تاریخ‌نبشت» آمده است (۱۳۸۷) که بعدها به دست‌مایه‌ای برای نوشتن مقاله‌ای بلندتر با عنوان «سنت‌های الاهی و روی‌دادهای تاریخ؛ بررسی موردی دیدگاه مقریزی در اغاثه الامه بکشف الغمه»[1]؛ سپس پایان‌نامه‌ای با موضوع «پژوهشی در تاریخ‌نگاری مقریزی» شد که این مقاله بخش کوچکی از آن اثر است.

۱. ر.ک: شماره ۴۰ مجله *تاریخ اسلام*.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

جایگاه مقریزی در علم تاریخ

مقریزی در خانواده‌ای اهل علم و فن زاده شد. مادرش نخستین آموزه‌ها را جد مادری‌اش ابن‌صائغ به او منتقل کرد و نزد وی، حافظ قرآن شد و نزد فاضلان عصرش به درس و تحصیل پرداخت و از همان کودکی، زمینه عالم شدنش فراهم آمد. هنگامی که به بیست سالگی رسید، با بزرگان زمانش می‌نشست و برمی‌خاست و با برترین‌های آنان هم‌نشین بود(سخاوی ، ج۱، ص۲۵۸).

جایگاه شایسته خانوادگی و استعدادهای شخصی تقی‌الدین، راه را برای ورود او به دستگاه ممالیک هموار کرد. او در دوران جوانی در قالب معلم فرزندان شاهان و امیران دولت مملوکی، به دار الحکومه رفت و در آن‌جا به تدریس علوم دینی (قرآن، فقه، نحو، تفسیر و حدیث) و علوم دیگری مانند تاریخ، تقویم، ادب و حساب پرداخت(مصطفی الزیاده ، ۱۹۷۱م ، ص ۱۳). امامت مسجد جامع الحاکم قاهره، مدَرسیِ حدیث مدرسه مؤیدیه و گرفتن لقب استادی، از دیگر پیش‌رفت‌های مقریزی بود(محمد بن علی بن محمد الشوکانی، ج۱ ص۷۲). هم‌چنین به ولایت حسبه و قضاء و امامت جامع طولون (مهم‌ترین جامع مصر)، دست یافت که این خود بر جایگاه بلند اجتماعی و سیاسی وی دلالت می‌کند.

بهره‌مندی مقریزی از استادان گوناگون و برجسته، موجب شد که از شخصیتی علمی و ادبی برخوردار شود و در آسمان علم روزگارش بدرخشد. او در علوم گوناگون کارشناس بود و پژوهش‌های فراوانی در تاریخ و ادبیات سامان داد. در اصطرلاب و رمل و هیئت نیز استاد بود؛ چنان‌که سخاوی می‌گوید: مقریزی در چرخش روزگار نامش بلند شد و به شهرت رسید و از اَعلام شد(سخاوی، ص۲۳).

باری، بیشتر کوشش‌های او به تاریخ معطوف می‌شد؛ چنان‌که میان اقران و معاصرانش در این حوزه سرآمد بود و مصادر و منابع او را از نوادر تاریخ دانسته‌اند. او اطلاعات تاریخی بسیاری در حافظه داشت.(ص۲۶۰). ابن تغریبردی درباره‌اش می‌گوید: او از مورخان معروف مصر است؛ امامی صاحب فن و حاذق و ماهر و معتمَد ... و بزرگ‌ترین کسی که من در علم تاریخ و شقوقاتش، او را می‌شناسم. او با همه آدم‌های هم‌عصرش (علما و مورخان) بسیار متفاوت است(ابن تغریبردی، النجوم

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

الزاهره ، ج۴، ص۳۲۷).

چیرگی او بر منابع تاریخ و رجال و اشتهار او در زمان خود موجب شد که مورخان و محققان فراوانی به شاگردی او بنازَند؛ چنان‌که ابن‌حجر عسقلانی از او با عنوان «شیخنا» یاد کرده است(ابن حجر عسقلانی، ج۱، ص۱). ابن‌تغریبردی نیز شاگرد مقریزی بود و در *النجوم الزاهره في ملوک مصر و القاهره*، گام به گام رد پای استادش را دنبال کرد و حتی *حوادث الدهور في مدي الايام و الشهور* را برای کامل کردن *السلوک في معرفه دول الملوک* استادش نوشت.(ابن تغریبردی، حوادث الدهور، ج۱ ، ص۱).

آگاهی او به دانش‌های گوناگون و ویژگی کاوش‌گری او در صد جلد کتابش، هویداست. افزون بر این، او در نظم و نثر نیز آثاری پدید آورد.(سخاوی، الضوء اللامع ، ص۲۶۰ ؛ سیوطی، حسن المحاضره ، ج۱، ص۱۸۶).

روش مقریزی در پالایش داده‌ها

مقریزی داده‌ها را بر پایه سطح راوی و روایت برمی‌رسید:

الف) سطح راوی

۱. توجه به جایگاه علمی

او به اندازه‌ای تاریخ صحیح را مهم می‌شمرد که برای ثبت حقایق تاریخی از مناصبش کناره گرفت و عزلت گزید و از هیایوی دولتیان دور شد و مدت‌ها رنج سفر را بر خودش هموار کرد تا روی‌دادها را درست بنویسد. این اهتمام او به تاریخ، در آثارش آشکار شده است. او در پذیرفتن روایت محتاط بود و روایت‌ها را از اهل علم دریافت می‌کرد که این خود بر دغدغه‌مندی‌اش در این‌باره دلالت می‌کند. برای نمونه، او در بررسی روایت انتساب عبیدالله مهدی به فاطمه (س) که اخومحسن و ابن‌رزام آن را انکار می‌کردند، نخست پیشینه علمی این افراد را بررسید و دانست که آنان در دانش «انساب» کارشناس نیستند و از این‌رو، گفتارشان در این‌باره پذیرفته نیست(مقریزی،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

اتعاظ الحنفاء ، ۱۹۶۷ ، ج۱، ص۱۶-۱۷).

او در *الـمـوعظ و الاعـتـبـار* نیز بر این اصـل تأکیـد و در بخشـی کـه بـه جایگاه جغرافیایی مصر در کُره زمین اشاره کرده، به‌رغم اینکه به گفته معاصرانش خـود او دسـتی بـر آتـش داشـت، از دیـدگاه عالمـان جغرافیـا ماننـد دیمقـراطیس, خوارزمی(مقریزی، المواعظ ، ج۱, ص۲۰ پاوررقی مصـحح) و ابوزیـد بلخـی (ص۲۵) بهره برده و دیدگاه کارشناسانه آنان را آورده است. هم‌چنـین دربـاره سـبب نام‌گـذاری «جبل مقطم»، با توجه به دیدگاه لغت‌شناسان می‌گوید: نام مقطم از کسـی بـه نـام قطـم گرفته شده است که درختان را در ایـن ناحیـه قطـع می‌کـرد(ص۳۳۶). دربـاره فضـایل اسکندریه نیز بر استفاده از دیدگاه اهل علم بسیار پای می‌فشرَد و تأکید می‌کند بنابر نظر اهل علم، خداوند در وصف اسکندریه فرموده است: «ارم ذات العماد ... » (ص۴۳۹).

اهمیت جایگاه علمی راوی نزد او به اندازه‌ای بود که برای اثبـات یـا رد نظـری، بـه انواع روایت‌ها درباره‌اش توجه می‌کرد و از همه کتاب‌های حدیثی و روایی و سـیره در این زمینه بهره می‌برد. این شیوه در *امـتـاع الاسمـاع* او دیده می‌شود. استفاده او از *سـیـره* ابن‌حزم موجب شد که محققان امروز از این اثر آگاه شوند؛ یعنـی مورخـان پیش از مقریزی از چنین عنوانی در فهرست کتاب‌هـا و آثـار ابن‌حـزم آگـاه نبودنـد. او افزون بر سیره ابن‌حزم از سیره‌های معروف ماننـد *سـیـره* ابن‌اسـحاق و بیهقـی و از دیدگاه‌های عروه و زهری و کتاب‌های روایی و حدیثی فراوان در این زمینه بهـره بـرده است. برای نمونه، دیدگاه‌های فراوانی را از راویان گوناگون درباره نخستین آیه منزَل بر پیامبر گرامی اسلام می‌آورد، اما سرانجام با توجه به گفتار عروه، زهری و ابن‌اسحاق در این زمینه داوری می‌کند؛ زیرا از دید او، آنان در علم سیره از دیگـران برترنـد(مقریزی، امتاع الاسماع ،ج۱، ص۳۲).

مقریزی در *امـتـاع الاسمـاع* در سیره پیامبر بیشتر از دیدگاه‌های ابن عبـدالبر، ابن‌اسحاق، موسی بن‌عقبه، واقدی، عروه بن‌زبیر و بیهقی بهره برده اسـت. ایـن افـراد از بزرگان و برجسته‌ترین سیره‌نگاران به شمار می‌روند. روایـات فراوانـی را از ایـن افـراد درباره معجزات پیامبر در جلد پنج کتاب او آمده است(ج۵، صص۱۰۵-۱۱۱-۱۱۲).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

۲. تأثیر گرایش‌های راوی در روایت

«عینیت تاریخ» از مسائل مهمی است که مورخان و محققان روایات تاریخی بر آن تأکید می‌کنند و آن را از ویژگی‌های تاریخ می‌شمرَند. عینیت؛ یعنی وضع شناختی بدون گرایش‌ها و هیجان‌ها و ارزش‌داوری‌ها(برایان فی، ص۲۸۹). آرمان عینیت، از دید عین‌گرایان، شناختن یا بیان چیستی جهان به صورتی سراسر مستقل از ذهنیت فرد است(مایکل استنفورد ، ص۹۳). بنابراین، نتایج تحقیق باید با توجه به موضوع صورت گیرد و از گرایش‌ها متأثر نباشد. تاریخ با این فرض، معرفتی علمی، دقیق و پذیرفتنی خواهد بود.

مقریزی با توجه به اهمیت این مسئله در برخی از روایت‌ها با ژرف‌کاوی بیشتری به بررسی می‌پردازد و به تأثیر گرایش‌های سیاسی و اعتقادی راویان در روایت‌های آنان توجه می‌کند؛ چنان‌که درباره یک موضوع، چند دیدگاه را برمی‌رسد. برای نمونه، رد کردن انتساب فاطمیان یا پذیرش آن را ارزیابی می‌کند و می‌گوید: تنها رد این انتساب دلیل درستی آن نیست؛ زیرا کسان دیگری این انتساب را پذیرفته و فاطمیان را از اهل‌بیت امام صادق (ع) دانسته‌اند. بنابراین، وازَنش کسانی دلیل نادرستی این ادعا نیست. او در ادعای ابن‌حزم در این‌باره به دیده تردید می‌نگرد و این ادعای او را نمی‌پذیرد که فاطمیان درباره نسبتشان دروغ می‌گویند؛ زیرا ابومحمد در قرطبه (جایگاه حاکمیت بنی‌امیه) بوده است و آنان دشمنان اهل‌بیت و فاطمیانَند و این نقل‌ها را به اندازه‌ای گستردَند که شهرت یافت(مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ج۱، ص۱۶-۱۷). او نشان می‌دهد اوضاع پیرامونی راوی، در باورهای او مؤثر است؛ چنان‌که ابن‌حزم در محیطی ضد شیعی این نوع روایت‌ها را نقل کرده است. به گفته مقریزی، برای پذیرش روایت باید آن را از منظرهای گوناگون بررسید و راوی و روایت را نقد کرد.

او در *امتاع الاسماع* درباره اسلام علی و ابوبکر که موضوعی اختلافی است، دیدگاه‌های دو طرف را تحلیل و تأکید می‌کند که دو گروه باید منصف باشند و بدون غرض‌ورزی و هوامحوری، داوری کنند. علی مشرک نبود، بلکه نخستین کسی بود که هم‌راه خدیجه با پیامبر نماز گزارد، اما اسلام خود را پنهان می‌کرد و ابوبکر نخستین کسی بود که مسلمان شد و اسلامش را آشکار کرد، اما مردم در این‌باره به خطا

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

دچار شدند(مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۱، ص۳۴).

۳. شهرت و وثاقت راویان

اعتبار هر پژوهشی از اعتبار داده‌های آن سرچشمه می‌گیرد؛ یعنی این اعتباربخشی به به اعتبار راویان آن وابسته است. سطح علمی و شهرت راویان و متهم نبودن آنان، بر ارزش و اعتبار اثر علمی می‌افزاید تا اینکه از «مقبولیت عامه» برخوردار می‌شود. بخش مهمی از داده‌های تاریخی از نقل راویان و شاهدانی ملهَم است که روی‌دادها را یا به چشم خود یا در کتابی دیده‌اند. صداقت و سلامت روح و جسم آنان بر درستی و نادرستی این داده‌ها مستقیم تأثیر می‌گذارد. بنابراین، هیچ مورخی نمی‌خواهد به نشر موهومات و اکاذیب متهم شود و از این‌رو، با سنجش اعتبار و با دقت درباره جایگاه مورخان، در گردآوری روایات نامخدوش می‌کوشد. مقریزی نیز در بسیاری از بخش‌های آثارش بر این نکته تأکید می‌کند. بنابر گفتار او که به بر توجه فراوانش به اعتبار مورخان دلالت می‌کند، او از کسانی نقل می‌کند که متهم نیستند: «اخبرنی من لا اتهم انه شاهد فی بعض مدن اقلیم»(مقریزی، اغاثه الامه، ص ۱۰۷). عبارتی مانند اینکه اهل علم و معرفت گفته‌اند(مقریزی، المواعظ، ج۱، صص ۱۴۶-۱۸۹-۱۸-۴۰۷ و...) در آثار او، بر همین توجه و دقت وی دلالت می‌کند. او همواره می‌کوشید از زبان شاهدان عینی روی‌دادهای بِلاد، نقل کند؛ شاهدانی که خود از بزرگان (اعیان) و مردمان معتبر و معروف بودند(ص۱۱۱). او روایتی را درباره فسطاط مصر در جای قدیم شهری به نام «عین شمس» از *المغرب* ابن‌سعید می‌آورد و می‌گوید: این وهم ابن‌سعید است؛ زیرا دست‌خطی را از جوانی نسابه به نام محمد بن‌اسعد دیده‌ام که با این دعوی ابن‌سعید ناسازگار است. مقریزی این جوان و جایگاهش را در *خطط* تعریف کرده و او را شهیرتر از ابن‌سعید دانسته است(ج۲، ص۹). هم‌چنین درباره اخبار اسکندر، به‌رغم نقل مسعودی کاربرد طلسم را نمی‌پذیرد؛ زیرا ابن‌وصیف شاه روایتی مخالف با آن نقل کرده و او در اخبار مصر از دیگران آگاه‌تر و معروف‌تر بوده است(ج۱, ص۴۷۰).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

ب) سطح روایت

۱. رجوع به روایات معروف

مقریزی با اعتماد به بزرگان حدیث، بر شاذ بودن برخی از روایات تأکید می‌کند. برای نمونه، روایتی زمان سکونت پیامبر را در مکه دَه سال می‌داند. او این روایت را نامعتبر و مستثنا می‌شمرَد و روایت معروف سعید بن‌جبیر (سیزده سال) را می‌پذیرد و می‌گوید پایه این روایت، روایت معروف دیگری است که بر رسیدن محمد (ص) به پیامبری در چهل‌سالگی دلالت می‌کند و در این‌باره اختلافی نیست(مقریزی، امتاع الاسماع ، ج۱، ص۶۴). او درباره فتح مصر نیز با نقل گفته‌های ضعیف‌تر، شتابان از آنها می‌گذرد و حتی روایاتی را بدون اشاره به نام آنان می‌آورد و می‌گوید: اقوال مختلفی درباره تاریخ فتح مصر رسیده است. کسانی مانند سیف بن‌عمر آن را سال شانزده و دیگران آن را سال‌های ۲۱ و ۲۲ و ۲۷، اما محمد بن‌اسحاق و ابومعشر و محمد بن‌عمر واقدی و ابو عمر کندی، آن را سال بیست دانسته‌اند و این قول معروف‌تر و درست است(ص۱۰). مقریزی با ارجاع به اقوال معروف، دیدگاه صحیح را بر می‌گزیند.

۲. اعتماد به مراجع ادبی و لغوی و توجه به تغییر کلمات در گذر تاریخ

توضیح کلمات و نام‌ها از کارهای رایج نزد مورخان است؛ کلماتی که بر اثر گذر زمان برای خوانندگان ناشناخته شده‌اند. این‌رو، مورخان برای توضیح و تفسیر آنها ناگزیر منابع ادبی و لغوی و سیر تحول آنها را برمی‌رسند. این بازخوانی از دید تاریخی بسیار مهم است و در تحلیل درست و ارزیابی دادهای تاریخی، تأثیر می‌گذارد. مقریزی در نوشته‌های خودش گاهی از این شیوه؛ یعنی «اصطلاح‌شناسی فنی» بهره برده است. برای نمونه، او با نقل خبری درباره کوشش شداد بن‌عدیم برای ساخت هرمی از اهرام مصر می‌گوید: کسانی بر این گمانند که او همان شدات بن‌عاد است و از این‌رو، می‌گویند قوم عاد به مصر رفته است، اما این سخن درست نیست، بلکه این قول بر اثر کثرت استعمال این کلمه و به کار نرفتن شدات بن‌عدیم پدید آمده است؛ پس خبر ورد قوم عاد بدان سرزمین، درست نیست.(مقریزی، المواعظ، ج۱، ص۳۰۶). هم‌چنین علت نام‌گذاری جبل مقطم را به نام مقطم بن‌مصر بن‌یبصر بن‌حام بن‌نوح درست نمی‌داند و می‌گوید: فرزندی به این نام در تاریخ مصر شناخته نیست. به گفته برخی از علما، مقطم

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

از قطم گرفته شده و درباره کسی به کار رفته که درختان را قطع می‌کرده و بدین سبب به این نام معروف شده است(ص۳۳۶). مقریزی این ادعا را نمی‌پذیرد یا با استفاده از لغت‌شناسی و آگاهی از ریشه کلمات، دیدگاه ابوحیان[1](ص۳۴۷) را رد می‌کند. ابوحیان از لغت‌شناسان و بزرگان این دانش درباره کلمه «مدینه» گفته از باب فعیله به باب مفعله رفته و از سه حرف «دان» آمده است. مقریزی می‌گوید: به اجماع عرب جمع این کلمه (با استفاده از همزه)، «مدائن» (جمع مدن) است نه مداین. از همین روی، این کلمه بر باب فعل (مُدن) جمع می‌شود. او پیش از ورود به این بحث گفتارهایی را از ابن‌سیده[2](ص۴۳۸) درباره اسم مکان بودن این کلمه و صورت جمع آن، مطرح کرده است(۳۴۷).

۳. استناد به درستی روایات بر پایه شواهد و مدارک و مشاهدات عینی

بهره‌گیری از شواهد و مدارک در علوم از راه‌های کسب خبر و تحلیل روی‌دادهای تاریخی است که تجربه‌باوران بر آن تأکید می‌کنند. این شواهد در فرآیندی علمی گزینش می‌شوند و محقق را در رسیدن به نتیجه علمی کمک می‌رسانند. شاهدها و مدرک‌هایی جز اسناد بازمانده از گذشته، دست‌نوشته‌های مورخان و نویسندگان قدیم و آثار بر جای مانده از بناها و لباس‌ها و سکه‌ها در تاریخ نیست و از همین روی، مورخ بر پایه همین شواهد باید به گردآوری حقایق تاریخی گذشته بپردازد. مقریزی به روش همه مؤلفان، از این اسناد بهره برده و چنین روشی از اولیات تحقیق تاریخی او بوده؛ چنان‌که در مقدمه *الـمـواعظ* بدان اشاره کرده است که آثار و ساختمان‌های بازمانده و جست‌وجوهای او در شهرها و میان آثار پیشینیان، از منابع تاریخی او شمرده می‌شوند(ج۱، ص۵). استفاده از این اسناد به‌ویژه در شناخت محله‌ها و کوچه‌های مصر،

۱. اثیرالدین ابوحیان محمدبن یوسف بن علی بن یوسف اندلسی از بزرگان علمای لغت و تفسیر و حدیث و تراجم است او مسافرت های زیادی به مناطق مختلف داشته است و در قاهره مستقر شد و در سال ۷۴۵ وفات یافت. مقریزی از کتاب « ارتشاف الضرب من لسان العرب» او استفاده نمود. رک: المواعظ، پاورقی مصحح، ج۱، ص۳۴۷

۲. ابوالحسن ابن سیده المرسی، عالم لغوی اندلسی، متوفی ۴۵۸صاحب کتاب « المحکم والمحیط الاعظم» رک: المواعظ، ج۱، پاورقی مصحح، ص۴۳۸

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

ساختمان‌های شاهان و حاکمان ایـن سـرزمین بـه‌ویژه دولـت شـیعی فـاطمی، در کـار مقریزی نمایان است. برای نمونه، او در تعریف حـاره بهاءالـدین، آن را بـر پایـه منـابع قدیم زمان تأسیس آن، جایش را قاهره دانسته، اما بنابر مشاهدات شخصی او، این حاره در قاهره در باب فتوح جای گرفته است(ج۳، ص۳). هم‌چنین در شرح محله مارسـتان، به این محله اشاره و تأکید می‌کند اکنون ایـن کوچـه ویـران شـده اسـت و اثـری از آن نیست، اما با کسانی گفت‌وگو کرده است که این کوچه را از نزدیک دیده‌اند(ص۸۰).

گاهی استفاده از اسناد و مدارک موجود در بایگانی و خزانـه‌های دولتـی از راه‌هـای کسب خبر و تحلیل درست داده‌هاست. جایگاه سیاسی و اجتماعی مورخ زمینه‌ای برای بهره‌گیری او از این اسناد و بازگو کردن واقعیات زمانش فراهم می‌کند کـه بسـیار مهـم است. مقریزی در تحلیل اوضاع مصر و روی‌دادهای سخت گذشته بر این سـرزمین، از این ویژگی برخوردار بود. ولایـت حسـبه او در سـال‌های قحطـی، او را در ثبـت آمـار قیمت‌ها و زمین‌های زراعی و کشتگان، بسی کمک کرد. افـزون بـر ایـن، از مشـاهدات شخصی و تجربه‌هایش در دوره زندگی نیز کمک می‌گرفت. مانند ویـران شـدن دیـه‌ها (دهها) و شهرها و آبادی‌ها، مردن انسان‌ها و نابود شدن کشتزارها و شیوع قحطی‌ها و... (المواعظ ، ج۱، ص۶۱۶) . برای نمونه، او تصریح می‌کنـد کـه قحطی‌هـای ۷۹۶ و ۸۰۸ هجری را دیده است. بنابر مشاهدات مسـقیم او، آب نیـل کـم شـد و قیمت‌هـا فزونـی گرفت و مواد غذایی نایاب شد و بسـیاری از مـردم بـر اثـر گرسـنگی مردنـد و بهـای چارپایان به اندازه‌ای افزایش یافت که او از بـازگویی‌اش شـرم می‌کنـد(مقریزی، اغاثـه الامه ، صص۵۹-۶۱). پیشه مقریزی و آگاهی‌اش به مسائل اقتصادی و اجتمـاعی مصـر سبب شد به تحلیل اوضاع مصر بپردازد. او علت گرانی‌های مکرَر مصـر را در دو سـال پی در پی، نبود بذر غلات برای کشت دوباره دانسته است(ص۶۶۰). شواهد فـراوان او در این‌باره بر آگاهی وی از همه تحولات مصر در این سال‌ها دلالت می‌کند. او در شرح ماجرای گرانی مصر در سال‌های ۸۰۸ (سال‌هایی که خودش در آن زمان مسئول حسـبه بود) چنین می‌نویسد:

> عده‌ای از سرما مردنـد. عـده دیگـر بـرای خـوراک خـود سـگ و گربـه‌ها را می‌خوردند. قیمت چارپایان بـه انـدازه‌ای افـزایش دارد کـه مـن از بیـان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

آن شرم دارم. الان سال ۸۰۸ هست و بدبختی و مشکلات اقتصادی مردم در اثر رواج سکه‌های مختلف و کمیِ ارزاق و سوء تدبیر و فساد رأی دولتی‌ها به قدری بد است که مصیبتی بدتر و بزرگ‌تر از آن قابل تصور نیست (ص۶۱).

٤. تکیه بر «قول اکثر»

پیدایی اقوال گوناگون از ویژگی‌های داده‌های تاریخی است که گاهی با یک‌دیگر متعارضَند. برخی از فیلسوفان تاریخ این مشکل را از دلایل علمیت و عینیت نداشتن تاریخ شمرده‌اند. مورخان چگونه می‌توانند یکی را از میان گزاره‌های تاریخی برگزینند و ملاک آنها برای پذیرش روایت چیست؟ پاسخ این پرسش‌ها در جای خودش آمده است، اما به واقع جمع دیدگاه بزرگان و راویان و مقایسه داده‌های تاریخی، از مشکل‌ترین بخش‌های تألیف به شمار می‌رود. مقریزی که *السلوک لمعرفة دول الملوک* گسترده و حجیم او بر کوشش فراوانش در گردآوری اسناد و روایت‌های گوناگون دلالت می‌کند، بنابر روش خاصی برآمده از پیشینه علم دینی‌اش، این مشکل را حل کرده است.

او در آغاز روایت‌های گوناگون را در موضوعی یاد می‌کند(مقریزی، المواعظ، ج۱، ص ۳۰۱-۱۳) ؛ سپس با استفاده از برخی از الفاظ خاص، به مجهول بودن برخی از روایت‌ها یا راوی آنها حکم می‌دهد(ص۱۳) و گاهی با استفاده از واژه‌های چون «زعم»(ص۲۰-۱۵) و «وهم»(ص۴۰۷ ؛ ج۳، ص۱۱-۴۷) ، بی‌اعتباری آنها را برای دیگران آشکار می‌کند یا با استفاده از عبارت‌هایی مانند «و الله اعلم»(ج۱، ص۴۳، ۱۹۰، ۳۰۶و...) یا «و الله تعالی اعلم بالصواب»(ص۱۴۷)، تأکید می‌کند این اختلاف‌ها جز با علم خداوندی از میان نخواهند رفت، اما اگر مسئله نزد او روشن شده باشد، با تعبیر «ذهب الجمهور»(ص۲۰) برای رسیدن به نتیجه و روایت صحیح، به گفته بیشتر مورخان اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که اگر بیشتر آنان به درستی روایتی رأی داده باشند، آن را می‌توان پذیرفت. گاهی در پذیرش روایت‌ها به گفتار اهل علم یا اعیان و مشایخ(ص۱۱۱) معتبر و معروف نزد مردم یا گروهی از اهل خبره و صاحب معرفت استناد می‌کند(ص۱۸۹). برای نمونه، در انکار گزارش کسانی که از انسان‌های «طویل القامه» در ایام مقتدر مصر خبر داده‌اند و درباره گفته‌های فراوان درباره طول ذات العماد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

در اسکندریه تأکید می‌کند این روایت‌ها را از یک نفر نشنیده است: «و قد ذکر غیر واحد انه فی خلافه المقتدر»(ص۴۳۵) یا «و هو اکثر اخبرنی بذالک من شاهد و رآه» ص۴۹۲)یا «و قد اکثر الناس».(ص۳۲۵)

٤. بهره‌گیری از عقل برای تحلیل گزاره‌ها

مقریزی افزون بر بررسی سندی، به تحلیل محتوای برخی از روایت‌ها می‌پردازد و روایات معروفی را با استناد به عقل، نقد می‌کند. برای نمونه، خبر هم‌کاری عقیل را با معاویه، دروغ و وهم راویان می‌شمرَد؛ زیرا معاویه در غارات نُه نفر را از فرزندان عقیل کشت؛ پس چنین خبری درست نمی‌نماید. وگرنه، عقیل رخصت داده است که مسلم بن‌عقیل و هانی بن‌عروه را گردن بزنند؛ یعنی کسی که به مسلم کمک رسانده بود(مقریزی، النزاع والتخاصم ، ص۳۳). او با این تحلیل عقلی روایت را نمی‌پذیرد.

مقریزی روش خود را آشکارا در آغاز *المواعظ* آورده و به کاربست عقل و تدبر و تأمل در کار گذشتگان تصریح کرده است(مقریزی، المواعظ، ج۱، ص۵-۶). او درباره دانش ساختن اَهرام در مصر می‌گوید کسی از اهل علم و معرفت که سرآمد بر دیگران باشد، درباره شناخت اهرام خبری ثابت‌کننده و درست نقل نکرده است. بنابراین، گمان می‌رود اَهرام پیش از طوفان پدید آمده باشد وگرنه، می‌بایست علم بنای آن نزد مردم می‌ماند(ص۳۱۸). بنابراین، در این‌باره به نتیجه‌ای منطقی دست یافته است. او در *اغاثه الامه* نیز درباره روش‌ها و راه‌های بهبود وضع مصر تأکید می‌کند:

بدان کسی که عادات و رسم و رسومات او را احاطه نموده و برده خویش ساخته و حماقت‌ها و بی‌فکری‌ها وی را به زنجیر کشیده است در جای پیشین خود ایستاده است و به شناخت آنچه از او پنهان مانده توجهی نداشته و انگاره‌ای جز محسوسات ندارد. چنین شخصی معتقد است فایده‌ای ندارد که خود را به زحمت انداخته و رنج خود را زیاد کنی و رأی و نظر خود را کنار گذاری ... «آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند با هم برابرند؟ تنها خردمندان هستند که پند می گیرند (زمر؛ آیه ۹) »(مقریزی، اغاثه الامه، ص۱۲۵).

او به‌رغم تأکیدهای بسیار در جای جای کتاب‌هایش بر درک و مشاهدات عینی و تجربه‌های معتمَد، گفته است استناد تنها به اینها بدون تدبر و تأمل در رخدادها، انسان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

را از رسیدن به واقعیت دور می‌کند.

۵. استفاده از روایت شفاهی معروف

اخبار پراکنده‌ای که در نقل هیچ شیخ بلندپایه یا عالم والامقامی نیامده است در کنار منابع معتبر تاریخی، بخش‌هایی را از تاریخ گذشته آشکار می‌کند. این روایات پراکنده بر زبان مردم که کسی در پی ضبط آنها نبوده است نیز از منابع داده‌های مورخ به شمار می‌رود. مقریزی در این‌باره می‌گوید:

بدان زمانی حوادثی در عالم هست که ناگزیر به ضبط آن هستیم در حالی که زمانی که اتفاق افتاده کسی آن را ثبت و ضبط ننموده است. اینها بر جای نمانده؛ مگر با سر زبان افتادن آن و نقل‌هایی که مردم می‌کنند و تاریخ نمی‌باشد؛ مگر حادثه عظیمی که گوش‌ها از شنیدن آن پر شده باشد به آن شرط که این نقل‌ها توسط جماعت دیگری انکار نشود(مقریزی، المواعظ، ج۱ ، ص۶۷۷).

بنابراین، شرط پذیرش اخبار شفاهی از دید مقریزی، شهرت روایی آنها و پذیرفتگی‌شان نزد دیگران است.

۶. پذیرش روایات با استناد به قرآن و روایات

قرآن و روایات پیامبر از دید مسلمانان بهترین سند و مدرک اثبات درستی روی‌دادها به شمار می‌رود. این منبع در پژوهش‌های تاریخی به اندازه‌ای مهم شده است که بدون تطبیق برخی از روی‌دادهای صدر تاریخ اسلام با قرآن و روایات، پژوهش مورخان ابتر و ناقص خواهد ماند. بنابراین، قرآن و روایت پیامبر از منابع موثق تاریخی به شمار رفته و مورخان دوره‌های گوناگون به آنها استناد کرده‌اند. مقریزی که عالمی دینی هم شمرده می‌شود، گفته‌ها و نقل‌های بسیاری را با ارجاع به قرآن و روایات نبوی اثبات کرده و حتی این ارجاع را از راه‌های ارزیابی صحت داده‌ها در تاریخ انبیا خوانده است(ص۶۷۸). بسیاری از داده‌های او درباره تاریخ مصر در روزگار انبیای بنی‌اسرائیل و تاریخ قوم موسی و داستان فرعون مصر، با آیاتی از قرآن منطبقَند. او بدین شیوه بر پایه آیات قرآن، تصویری از هلاکت فرعون و قومش عرضه می‌کند و فصلی با عنوان «ذکر هلاک اموال اهل مصر» می‌گشاید و در آن، دعای موسی را برای آمدن این عذاب نقل می‌کند (آیات ۸۸ و ۸۹ سوره یونس) (ص۱۱۰) ؛ سپس این خبر را نقل می‌کند که

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

چیزی جز صورت دفائن مصر بر جای نمانـد. وی ایـن بحـث را بـا آوردن روایتـی از ابن‌عباس کامل می‌کند که از ثروت مصر چیزی جز هیئت و شکل ظـاهری آن نمانـد و در آن سرزمین هیچ معدنی یافت نشد؛ مگر اینکه خداوند آن را تبـدیل کرد(همـان). او روایت‌های فراوانی را از صحابه و راویـان و محـدثانی چـون محمـد بن‌کعـب قرظـی، مجاهد و محمد بن‌شهاب زهری آورده است که بر تبدیل این گنج‌ها به شکل خودش و ماندن شکل ظاهری آنها، دلالت می‌کنند. هم‌چنین روایتی را نقل کرده است که بر انتقال ثروت قوم فرعون به موسی دلالت می‌کنـد. او ایـن روایـت را بـا آیـاتی از سـوره‌های «شعرا» و «قصص» منطبق می‌کند که از انتقال این ثروت حکایت می‌کنند(ص۱۱۱).

نیز در توصیف اسکندریه و معماری عجیب آن که حتی شاید بـه انکـار خواننـدگان بیانجامد، عمود السواری را استوانه‌های زمین دانسـته و گفتـه کـه اخبـار آن را از افـراد فراوانی شنیده است. به‌رغم تکذیب و انکار محتمَل خوانندگان، او بـا کمـک گـرفتن از این آیه قرآن «اَ وَ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنـذِرَكُمْ وَاذْكُـرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلاَءَ اللهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (اعراف، ۶۹)، می‌گوید: «بشنو قول خداوند را که در باب قوم عاد و هود چنین فرمـوده است». او این آیه را نشانه درستی روایاتش درباره استوانه‌های بلند و انسان‌های جسـیم آورده است(ص۴۳۴) و درباره فضائل این شهر از زبان مفسران و اهل علم مـی‌گویـد: خداوند درباره این شهر فرموده است: «ارم ذات العماد لم یخلق مثلها فی البلاد» (فجـر، ۷)(ص۴۳۹). او اخبار فضائل شهرهای مصر را در عهد انبیایی چون یعقوب و موسی و قوم بنی‌اسراییل و ابراهیم و هاجر، از آیات فراوان قرآن استفاده می‌کند(صـص۵۹-۶۷). هم‌چنین درباره عریش (در رمل غربی) و ویرانی مساکن آن و عمارت‌های قوم عاد کـه در این سرزمین می‌زیستند و از میان رفتند، شـاهدی از قـرآن مـی‌آورد و آیـات سـوره الذاریات «وَ فِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ» (ذاریات، ۴۱) «مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَـتْ عَلَيْهِ إِلاَّ جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ» (ذاریات، ۴۲) را درباره ارسال باد بـر ایـن قـوم یـاد مـی‌کنـد(ص۴۹۵).

درباره برتری مصر و فضائل این سـرزمین نیـز بـه کمـک روایـات پیـامبر بـه شـرح زیبایی‌ها و نعمات این سرزمین می‌پردازد و آن را بهترین سرزمین در زمان فتنـه‌ها مـی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

شمرَد و سپاهیانش را بهترین سپاهیان می‌خواند و می‌گوید: پیامبر توصیه فرمودند که بعد از فتح آن سپاهیان اسلام را از آن‌جا گرد آورَند. نیز مصر را از زبان صحابه، سرزمین مبارک، ام البلاد و نهرهای آن را افضل نهرهای دنیا می‌خواند(ج۱، ۷۰-۷۱).

۷. استفاده از فقه در تحلیل درستی روایات

او درباره اینکه مصر در قالب «عنوه» فتح شد یا «صلح»، روایتی را در بردارندهٔ چیستی حکم جزیه مردگان به زندگان قبطی است یا این پرسش که می‌توان از چوب‌های مصریان به‌رغم بی‌میلی آنان به فروش آنها به مسلمانان، استفاده کرد؟ عمر بن‌عبدالعزیز با توجه به اینکه عهدی میان مسلمانان و مصریان نیست، به استفاده از این چوب‌ها رخصت داد. مقریزی بر پایه این سؤال و جواب فقهی، مصر را در قالب «عنوه»، مفتوح دانسته است(ج۲، ص۱۳۲).

نتیجه

استفاده از روش‌های صحیح در پالایش داده‌های تاریخی، از راه‌های معتمَد در پژوهش‌های تاریخی است. هر اندازه تاریخ به سطح مقبولیت نزد خوانندگانش نزدیک شود، به درجه علمیت نزدیک خواهد شد. مورخان از آغاز تاریخ‌نگاری بدین روش توجه و راه‌های گوناگونی را برای مطلوبیت کار خود ابداع می‌کرده‌اند. این مقاله به مورخی در قرن نهم هجری پرداخت که با تلاش خود توانست تاریخی کم‌خطا پدید آورَد. تقی‌الدین علی مقریزی بر پایه جایگاه علمی و استادی‌اش در علومی مانند حدیث و فقه و تفسیر و تاریخ، با آمیختن روش‌های گوناگون این علوم به یک‌دیگر و کاربست مبانی علم حدیث و تفسیر در تاریخ، به پالایش داده‌های تاریخی پرداخت و افزون بر این، از آیات قرآن و روایات در بررسی گزاره‌های تاریخ بهره برد. کمک گرفتن از استدلال عقلی و بررسی سندی و وضع راویان احادیث، استفاده از مشاهدات عینی برای دست‌یابی به درستی گزاره‌های مشاهده‌پذیر، اعتنا به لغت و توجه به سیر تحول زبان در تاریخ و تأثیرش در استنباط‌های نادرست مورخان و دور شدن از متهمان در تاریخ و تأکید بر گفته‌های معروف، از مهم‌ترین شیوه‌ها (تکنیک‌ها) مقریزی در تاریخ‌نویسی است.

او در ارزیابی راویان و مورخانی که از منابع آنان بهره برده است، گاهی به شخصیت

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

راوی و وابستگی‌های سیاسی و مذهبی او نیز مـی‌پـردازد و در نقـد روایـات او، بـدین عوامل توجه می‌کند. مقریزی روایات بسیاری را با استناد به شاهدان ماجرا و کسانی که بدون واسطه آن را نقل کرده‌اند، معتبر می‌داند، اما آسیب‌های ایـن شـیوه را نیـز از نظـر دور نمی‌دارد؛ زیرا شاهدان عینی گاهی در روایات خود اغراق کرده‌اند که این خـود بـه برداشت‌ها و تحلیل‌های نادرست می‌انجامد. افزون بر این، او در گـرفتن اخبـار از ایـن افراد بر اِهمال و خطای برخی از راویانش اشاره می‌کند و به همین سبب روایـات آنـان را مخدوش می‌خوانَد. عقل و اسـتدلال، دو بـال او بـرای تحلیـل بسـیاری از روایاتَنـد. کاربرد این روش‌ها الگوی شایسته‌ای برای مورخان و محققان و سنجش‌گران داده‌هـای تاریخی است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

کتاب‌نامه

ـ ابن‌تغریبردی (بی‌تا)، *النجوم الزاهره في ملوک مصر و القاهره*، بی‌جا، مکتبه الشامله، موقع الوراق.

ـ ـــــ (بی‌تا)، *حوادث الدهور في مدی الأیام و الشهور*، بی‌جا، موقع الوراق، مکتبه الشامله.

ـ استنفورد، مایکل (۱۳۸۲)، *درآمدي بر فلسفه تاریخ*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی.

ـ آیینه‌وند، صادق (۱۳۷۷)، *علم تاریخ در گستره اسلام*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ـ حضرتی، حسن (زمستان ۱۳۸۰)، «نقد تاریخی، گزارش ابن‌خلدون از سانحه عاشورا»، *پژوهشنامه متین*، سال سوم، شماره ۱۳.

ـ دلاوری، علی (۱۳۸۰)، *مباني نظري و علمي پژوهش در علوم انساني و اجتماعي*، تهران، رشد.

ـ زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲)، *تاریخ در ترازو*، تهران، انتشارات امیرکبیر.

ـ الزیاده، محمد مصطفی (۱۹۷۱ ق)، *دراسات عن المقریزي*، بی‌جا، مکتبه العربیه.

ـ سخاوی (بی‌تا)، *الضوء لامع*، بی‌جا، موقع الوراق، مکتبه الشامله.

ـ سید، ایمن فؤاد (بی‌تا)، *مقدمه بر کتاب نزهة المقلتین*، [بی‌جا]، ابن‌طویر، بی‌تا.

ـ ـــــ (بی‌تا)، *اهمیت نزهه المقلتین در تاریخ فاطمیان*، ترجمه اسماعیل باغستانی،بی جا، بی‌نا.

ـ سیوطی (بی‌تا)، *حسن المحاضره في اخبار مصر و القاهره*، بی‌جا، موقع الوراق، مکتبه الشامله.

ـ شاله، فیلیسین (بی‌تا)، *شناخت روش علوم یا فلسفه علمي*،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]

ترجمه یحیی مهدوی، تهران، دانشگاه تهران.
ـ الشوکانی، محمد بن‌علی بن‌محمد (بی‌تا)، *البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع*، به کوشش اسامهٔ بن الزهراء عضو ملتقی أهل الحدیث، بی‌جا، بی‌نا.
ـ عسقلانی، ابن‌حجر (بی‌تا)، *انباء الغمر*، بی‌جا، مکتبه شامله.
ـ غلامی دهقی، علی (۱۳۸۹)، *اقتصاد، جامعه و مدیریت در تاریخ نگری مقریزی (ترجمه کتاب اغاثه الامه)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
ـ فی، برایان (۱۳۸۳)، *پارادایم‌شناسی علوم انسانی*، مرتضی مردیها، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
ـ قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۸۵)، *روش تحقیق در تاریخ‌نگاری*، تهران، دانشگاه ملی ایران.
ـ قراملکی، احد فرامرز (۱۳۸۳)، *اصول و فنون پژوهش در گستره دین‌پژوهی*، قم، حوزه علمیه قم مرکز مدیریت.
ـ مقریزی (۱۴۲۵ ق)، *المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الاثار*، تحقیق دکتر ایمن فؤاد سید، لندن، مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامی.
ـ مقریزی (۱۹۶۷)، *اتعاظ الحنفاء*، جمال الدین الشیال، قاهره، بی‌نا.
ـ ـــــ (بی‌تا)، *اغاثه الامه فی کشف الغمه*، بی‌جا، مکتبه الاسره.
ـ ـــــ (بی‌تا)، *النزاع و التخاصم*، صالح وردانی، نشر هدف.
ـ ـــــ (بی‌تا)، *امتاع الاسماع بما للنبی (ص) من الاحوال و الاموال و الحفده و المتاع*، تحقیق محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
ـ ملایی، علی‌رضا (۱۳۸۶)، *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، تهران، نشر نی.
ـ ناصری، عبدالله (بی‌تا)، *جامعه‌شناسی اقتصادی در میراث*

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.4.4]